



سخنی درباره چرایی میل انسان به تنوع و تجدد/ بازخوانی حدیثی از امام علی(ع)

نعمت‌های بهشت چنان است که هیچ گاه بهشتیان تغییر و تبدیل آن را خواستار نباشند. یعنی این تفاوت میان نعمت‌های آخرت و این دنیا هست که در این دنیا انسان طالب تحول و تغییر است، اما در آخرت طالب تغییر و تحول و نوشدن و عوض شدن نیست.

خبرگزاری مهر- نعمت‌های بهشت چنان است که هیچ گاه بهشتیان تغییر و تبدیل آن را خواستار نباشند. یعنی این تفاوت میان نعمت‌های آخرت و این دنیا هست که در این دنیا انسان طالب تحول و تغییر است، اما در آخرت طالب تغییر و تحول و نوشدن و عوض شدن نیست.

انسان حالتی دارد که از یکنواختی ملول می‌شود، طالب تجدد و تنوع است. تجدد و نخواستاری، احتیاجی است در وجود بشر، اما اینکه رمز این کار چیست، چرا بشر در کمال اشتیاق چیزی را طلب می‌کند و همین که به او رسید از شدت و هیجانش کاسته می‌شود، کم کم به سردی و خستگی و احياناً به تنفر و انزجار منتهی می‌شود.

بعضی گمان می‌کنند که این خصیصه، ذاتی بشر است، بشر همیشه مشتاق و آرزومند چیزهایی است که ندارد، داشتن، مدفن عشق و علاقه و خواستن است. اما بعضی دیگر نظر دقیقتری دارند می‌گویند اگر واقعاً چیزی مطلوب غریزی و ذاتی بشر باشد، ممکن نیست که وصال او را سرد و افسرده کند. در نهاد و غریزه بشر معشوق و محبوبی کاملتر و عالیتر است؛ محبوبی که کمال لایتناهی است. به دنبال هر محبوبی که می‌رود در حقیقت، نشانی از محبوب اصلی و واقعی خود در او می‌بیند و به گمان محبوب اصلی به سراغ او می‌رود، اما پس از وصال چون خاصیت آن محبوب اصلی را در او نمی‌بیند و احساس می‌کند که این موجود قادر نیست خلأ وجودی او را پر کند، به سراغ محبوبی دیگر می‌رود و همین طور...

مگر آنکه روزی به محبوب اصلی و حقیقی خود نائل گردد، آن وقت کمال واقعی خود که اتصال به کمال لایتناهی است، خواهد رسید و در بهجت و سعادت کامل غرق می‌گردد و برای همیشه آرام می‌گیرد و دیگر خستگی و افسردگی و کسالت در او راه نمی‌یابد؛ الا بذکر الله تطمئن القلوب؛ آری با یاد خدا دلها آرامش گیرد. (سوره رعد آیه 28).

قرآن کریم درباره بهشت می‌فرماید: لا یبغون عنها حولاً (سوره کهف آیه 108) نعمت‌های بهشت چنان است که هیچ گاه بهشتیان تغییر و تبدیل آن را خواستار نباشند. یعنی این تفاوت میان نعمت‌های آخرت و این دنیا هست که در این دنیا انسان طالب تحول و تغییر است، اما در آخرت طالب تغییر و تحول و نوشدن و عوض شدن نیست.

به هر حال، مسلماً انسان در این دنیا طالب تجدد و تنوع است. تجدد موجب انبساط و شگفتگی خاطر می‌گردد، خصوصاً اگر آن تجدد و تنوع در جهت حیات و تازگی زندگی باشد. تجدد و تنوع، کدورت و ملال را از خاطر می‌زداید.

در تشریع نیز این نکته رعایت شده، در هفته و سال، زمانی برای عبادت اختصاص داده شده است، یعنی تشریع به بدرقه تکوین رفته است. روز جمعه در هفته و ماه رمضان در سال، اوقات تجدید حیات معنوی و زدودن خاطر از ملالها و کدورت‌های مادی است. در حدیث است: هر چیزی بهار و فصل تجدید حیاتی دارد؛ بهار و فصل تجدید حیات قرآن در دل اهل ایمان، ماه رمضان است.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: قرآن را بیاموزید که بهار دلها قرآن است. بهار طبیعی را خورشید به وجود می‌آورد که پس از مدتی دوری و فاصله، با اشعه گرم خود طبیعت مرده را زنده و زمین خفته را بیدار می‌کند، و بهار معنوی را خورشید تابنده قرآن در دلها مرده و روح‌های افسرده ایجاد می‌کند. هم از فرصت بهار معنوی باید استفاده کرد و هم از فرصت بهار طبیعی.

قرآن و دگرگونی عالم

قرآن کریم در یکی از مواردی که به این درس آموزنده اشاره می‌کند می‌فرماید: زمین را می‌بینی جامد و افسرده و بی روح و بی جنبش، اما همین که آب باران بر آن می‌پاشیم به جنبش و حرکت در می‌آید و فزونی می‌گیرد و انواع گیاههای بهجت افزا می‌رویند، این از آن جهت است که خدا حق مطلق است و نظام زنده کردن مرده‌ها در قبضه قدرت اوست، و اوست که بر هر چیزی تواناست، قادر مطلق و توانای مطلق است.

در همه عالم وجود - چه در موجودات جاندار چه در موجودات بی جان- یک نظم و حساب و تألیف و هماهنگی بین موجودات هست که تمام عالم به منزله یک پیکره دیده می شود بین اجزا و اعضای این پیکر ارتباط و اتصال و هماهنگی است و نمودار می سازد که یک مشیت و یک تدبیر کلی در همه عالم هست که به عالم وحدت و هماهنگی می دهد اثبات می کند که اجزای این عالم به خود واگذاشته نیست که هر جزئی و هر ذره ای بدون آنکه هدفی در ضمن این مجموعه و وظیفه ای در داخل این دستگاه داشته باشد کاری انجام دهد؛ بلکه به عکس، وضع عالم و جهان دلالت دارد که هر ذره ای و هر جزئی مانند یک پیچ یا مهره یا چرخ یا میله یا لوله ای است که در یک کارخانه گذاشته شده که در عین اینکه یک کاری به تنهایی انجام می دهد، کار او با کار سایر اجزای این کارخانه مربوط و وابسته است و به تعبیری که در قرآن مجید آمده همه موجودات عالم با همه قوا و نیروهایی که دارند از راه نظم و انتظامی که در کار عالم است به وجود ناظم و نظم دهنده اعتراف می کنند، انسان از این راه خداوند را در جلوه نظم و صنع و اتقان می بیند.